

دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها و اعضای جامعه دانشگاهی کشور با رهبر انقلاب

بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها

بیست و هشتم ماه رمضان ۱۴۳۴

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای متعال را شکر میکنیم که توفیق پیدا کردیم يك بار دیگر این جلسه‌ی مطلوب و شیرین همه‌ساله را - ولو در آخرین روزهای ماه رمضان - در اینجا شاهد باشیم. جلسه، جلسه‌ی علم است؛ جلسه‌ی دانشگاه است و اهمیت علم و دانشگاه برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران و بخصوص برای برهه‌ی کنونی تاریخ ما، بر همه روشن است. البته این جلسه برای این نیست که من عرایض خودم را و نکاتی را که در باب دانشگاه یا درباره‌ی علم و جامعه‌ی علمی دارم، بیان کنم - حالا مطالبی عرض میکنیم، لیکن جلسه برای این نیست - عمده‌ی نظر بنده در تشکیل این جلسه، دو چیز است: یکی احترام به مقام اساتید دانشگاه. این جلسه در واقع يك جلسه‌ی نمادین است؛ برای این است که اهتمام نظام جمهوری اسلامی به مقام علم و عالم و استاد و دانشگاه، با این وجه نمادین شناخته شود و بیان شود؛ که خب، این بحمدالله حاصل میشود. جهت دوم، شنیدن برخی از مطالبی است که در ذهن دوستان و اساتید محترم هست - چه در زمینه‌ی مسائل کشور، چه در زمینه‌ی مسائل دانشگاه و مسائل علم - که این هم بحمدالله حاصل میشود. البته ما زیاد گزارش میگیریم، من زیاد گزارش میخوانم، ملاقات هم کم ندارم - ملاقات خاص با افرادی که با دانشگاه مرتبطند - لیکن مطمئنم که آنچه ما درباره‌ی مسائل دانشگاه کشور میدانیم، همه‌ی مسائل دانشگاههای کشور نیست؛ و چه بهتر که بخشی از آنچه را که نمیدانیم، در يك چنین جلسه‌ای، در يك چنین مجموعه‌ای، از زبان نخبگان دانشگاهی بیان شود؛ که خب بحمدالله این مقصود هم حاصل میشود، و حاصل شد، و هر سال همین جور است. البته وقت به قدری نیست که از عدد بیشتری از دوستان استاد بتوان استفاده کرد، لیکن همین مقداری هم که استفاده کردیم، مغتنم است.

امروز هم مطالبی که آقایان و خانمها بیان کردند، مطالب خوبی بود؛ بر معلومات ما افزود؛ هم در مورد مسائل دانشگاه، و هم از جمله در مورد آشنائی بیشتر با دیدگاههای متنوعی که در دانشگاه نسبت به مسائل گوناگون وجود دارد. خب، ملاحظه کردید که در همین جلسه یکی از دوستان معتقدند به این که جریان ترجمه در داخل کشور باید رصد شود - یعنی در واقع به معنای نوعی اشراف و نظارت بر جریان ترجمه در کشور - آقای محترم دیگری بیان میکنند که در مورد ترجمه، دست مترجم و دستگاه ترجمه و نشر ترجمه را باید آزاد گذاشت؛ یعنی در واقع نقطه‌ی مقابل آن حرف اول. هر دو حرف با يك توجیه و تفسیر، درست است؛ یعنی میتوان يك ممشا و سلوکی را انتخاب کرد که هم آن نظر اول برآورده شود، هم آن نظر دوم؛ اما من مطمئن نیستم که آن دو برادر محترمی که این دو نظر را بیان کردند، نظرشان به راه میانه باشد. هر کدام نظر مستقلی دارند، بیان میکنند؛ این برای ما آموزنده است؛ یعنی وجود نگاههای مختلف، برای من شخصاً حاوی يك موضوع قابل توجه است. حالا این يك مثالی بود که عرض کردیم؛ مثالهای فراوان دیگری هم وجود دارد.

من چند نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض کنم؛ حالا هر مقداری که تا اذان وقت شد، آنچه را که یادداشت شده، عرض خواهیم کرد. نکته‌ی اول این است که از حدود ده سال، دوازده سال پیش يك حرکت علمی جدید و رو به گسترشی در کشور آغاز شد و این حرکت ادامه پیدا کرد و رو به تزايد گذاشت. یعنی من اینجور می‌بینم و می‌فهمم که حرکت تولید علم و نگاه مجاهدت‌آمیز به کار علمی و تلاش علمی در کشور که از همان حدود ده دوازده سال قبل آغاز شده است تا امروز، نه فقط متوقف نشده است، بلکه رو به عمق و توسعه پیش رفته. تقریباً میشود گفت که در همه‌ی زمینه‌های علمی هم این حرکت وجود داشته است - در بعضی کمتر، و در بعضی بیشتر - این همان چیزی است که ما دنبالش بودیم؛ این همان مجاهدت علمی است که برای نظام جمهوری اسلامی و برای کشور ما لازم بود.

در این حدود دوازده سال، رشد علمی کشور نسبت به قبل از این دوازده سال، شانزده برابر شده. اینها آمارهای تقریبی است و از مراکز مطمئنی به دست آمده است؛ این خیلی مهم است. همین حرکت علمی رو به گسترش موجب شده که پایگاههای اطلاع‌رسانی علمی معتبر دنیا اظهارنظر کنند که رشد پیشرفت علم در ایران سیزده برابر متوسط دنیا است. این واقعیتهای را در نظر داشته باشیم، اینها خیلی نکات مهمی است؛ ما چون زیاد میشنویم، زیاد تکرار میکنیم، برایمان عادی شده. این جزو آمارهای داخلی نیست که حالا يك نفری آماری بدهد، يك نفر هم بگوید نخیر، این آمار درست نیست؛ نه، این پایگاههای اطلاع‌رسانی رسمی دنیا ایند که این قضاوت را دارند میکنند؛ با ما هم خوب نیستند. یعنی من باور نمیکنم که سیاستهای مسلط جهانی از دخالت در مراکز علمی و امثال اینجور پایگاهها دست بردارند؛ اگر بتوانند، انکار میکنند؛ کمالینکه خیلی از پیشرفتهای ما را انکار میکنند؛ اما درعین‌حال این آمار را به ما میدهند. همین پایگاههای اطلاع‌رسانی علمی میگویند - که در دنیا منتشر شده و در اختیار همه هم هست - اگر همین پیشرفت در ایران ادامه پیدا کند، در سال ۲۰۱۸، یعنی پنج سال دیگر، ایران رتبه‌ی چهارم علمی دنیا را خواهد داشت؛ این خیلی چیز مهمی است. یعنی بعد از سه کشور دیگر - آمریکا و چین و انگلیس؛ آن سه کشوری است که ذکر کردند - کشور چهارم، ایران خواهد بود؛ این خیلی چیز مهمی است. البته من نمیخواهم ادعا کنم که این آمارها صددرصد آمارهائی است که انسان میتواند رویش سوگند یاد کند؛ نه، لیکن روش و حرکت دانشگاههای کشور الان به این سبک است؛ يك حرکت عمومی رو به پیشرفت.

خب، ما اگر وضعیت دانشگاهی امروز کشور را با دوران اول انقلاب - یعنی آنچه که میراث قبل از انقلاب و دوران طاغوت بود - مقایسه کنیم، آمارها شگفت‌آورتر از اینها هم هست. آن روزی که انقلاب پیروز شد، صد و هفتاد هزار دانشجو داشتیم؛ امروز چهار میلیون و چهار صد هزار دانشجو در کشور هست؛ یعنی حدود بیست و پنج برابر. آن روز بار تعلیم بر دوش حدود پنج هزار استاد و استادیار و دانشیار و معلم و امثال اینها بود، امروز در حدود شصت هزار معلم دانشگاهی داریم؛ چه در دانشگاهها، چه در مراکز پژوهشی. اینها مسائل مهمی است، اینها پیشرفتهای ارزنده‌ای است. البته من اینجا چیزهائی یادداشت کرده‌ام که دیگر لزومی ندارد بیان کنم؛ بعضی از اینها را شماها میدانید و شنیده‌اید، بعضی‌ها هم لازم نیست مطرح شود. مقالات علمی پراستناد - یعنی مقالات علمی‌ای که از طرف محققین ایرانی منتشر میشود و در دنیا به آنها استناد میشود - روزه‌روز رو به افزایش است؛ آمارش را به طور ریز به من داده‌اند، که حالا من نمیخواهم روی آن تکیه کنم؛ اما این خیلی پدیده‌ی مهمی است. پس مجاهدت علمی در کشور اتفاق افتاده.

يك سؤالی در اینجا مطرح است: آیا حالا که ما این پیشرفتهای علمی را در زمینه‌های مختلف در کشور مشاهده میکنیم، يك نفس راحتی بکشیم، بنشینیم سر جایمان؟ خب، پیدا است که پاسخ منفی است؛ نه. ما هنوز از خط مقدم علم عقبیم، هنوز در بسیاری از دانشهای مورد نیاز زندگی دچار عقب‌ماندگی‌های مزمن هستیم؛ با همه‌ی این پیشرفتی که در بخشی از دانشها داشته‌ایم. پس چون دچار عقب‌ماندگی هستیم، باید کار کنیم. وانگهی کاروان علم در دنیا متوقف که نمیشود؛ دارند با سرعت حرکت میکنند. ما نه فقط باید جایگاه فعلی‌مان را حفظ کنیم، بلکه باید جلو برویم؛ اینها همه‌اش تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. لذا اولین حرف ما به دانشگاههای کشور و دانشمندان کشور و نخبگان کشور این است که نگذارید این حرکت از دوڑ بیفتد، نگذارید حرکت علمی کشور متوقف شود؛ هیچ مانعی نتواند دانشگاه کشور را از رشد به سمت پیشرفت علمی باز بدارد.

اینکه ما روی علم تکیه میکنیم، فقط به جهت احترام آرمانی به علم نیست - که البته این خودش یک نقطه‌ی مهمی است؛ اسلام برای علم ارزش ذاتی قائل است - لیکن علاوه‌ی بر این ارزش ذاتی، علم قدرت است. یک ملت برای اینکه راحت زندگی کند، عزیز زندگی کند، با کرامت زندگی کند، احتیاج دارد به قدرت. عامل اصلی که به یک ملت اقتدار میبخشد، علم است. علم، هم میتواند اقتدار اقتصادی ایجاد کند، هم میتواند اقتدار سیاسی ایجاد کند، هم میتواند آبرو و کرامت ملی برای یک ملت در چشم جهانیان به وجود بیاورد. یک ملت عالم، دانا، تولید کننده‌ی علم، در چشم جامعه‌ی بین‌المللی و انسانها طبعاً با کرامت است. پس علم علاوه بر کرامت ذاتی و ارزش ذاتی، این ارزشهای بسیار مهم اقتدارآفرین را هم دارد. بنابراین باید این حرکتی که وجود دارد، این شتابی که وجود دارد، به‌هیچ‌وجه متوقف و کند نشود.

یک نکته هم در کنار این وجود دارد؛ این را باید باور کنیم. دوستان در زمینه‌ی جبهه‌بندی‌های سیاسی در دنیا نکات خوبی را بیان کردند؛ نکات قابل توجهی است و درست است، ما هم اعتقاد داریم؛ اما چیزی که باید در نظر باشد، این است که یک جبهه‌ی دشمن عنودی در مقابل نظام جمهوری اسلامی در میان قدرتهای دنیا وجود دارد. آیا این جبهه‌ی عنود و لجاجت در دشمنی با جمهوری اسلامی، مشتمل بر اکثر کشورهای دنیا است؟ آری؛ آیا مشتمل بر اکثر کشورهای غربی است؟ آری؛ این مربوط به چند کشور قدرتمندی است که به خاطر دلایل خاصی با نظام جمهوری اسلامی و با اقتدار نظام جمهوری اسلامی مخالفند و کارشکنی میکنند؛ یکی از کارشکنی‌ها، همین کارشکنی در زمینه‌ی علمی است. بعضی از دوستان گفتند «دیپلماسی علمی»، «دیپلماسی دانشگاهی»؛ بنده هم اعتقاد به این دارم، تشویق هم کرده‌ام؛ اما توجه داشته باشید که طرف مقابل روی این نکته بخصوص توجه دارد، روی این نکته برنامه‌ریزی میکنند. بر روی همین نقطه‌ی «دیپلماسی علمی» برنامه‌ریزی میکنند و اهداف خودشان را دنبال میکنند. اگر با توجه، با آگاهی، با بصیرت، کار انجام بگیرد، ما کاملاً موافق هستیم. از پیشرفت علمی ما هم راضی نیستند. بخشی از این کارهایی که امروز در زمینه‌ی تحریم و امثال اینها مشاهده میکنید، مربوط به همین است که نمیخواهند جامعه‌ی ایرانی به این اقتدار درونزا دست پیدا کند؛ که اقتدار علمی، یک اقتدار درونزا است. بنابراین، این پیشرفت باید ادامه پیدا کند.

خب، نکته‌ای که بر این اساس بنده اصرار دارم در ذهن آقایان و خانمها و اساتید محترم مطرح باشد، این است که «گفتمان علم و پیشرفت علمی» و «گفتمان پیشرفت عمومی کشور» - یعنی انگیزه برای سهم شدن دانشگاه در پیشرفت کشور - در دانشگاه باید حفظ شود؛ که البته امروز وجود دارد، اما باید حفظ و تقویت شود. هیچ چیزی نباید با این گفتمان در دانشگاه مزاحمت کند. باید اصرار بر نوآوری علمی در دانشگاه وجود داشته باشد؛ اصرار بر قرار گرفتن پیشرفتهای علمی در خدمت نیازهای کشور، که یکی از جهتگیری‌ها و معیارهای اساسی این است. بالاخره ظرفیتها محدود است - هم ظرفیتهای انسانی، هم ظرفیتهای مالی و مادی - حتماً باید توجه شود که کار علمی ما در جهت نیاز کشور باشد. ما نیازهای گوناگونی داریم که دانشگاه میتواند به این نیازها پاسخ دهد، این خلأها را پر کند. این هم یک تجربه‌ی ما است.

ما در دوران دفاع مقدس مشکلات فراوانی داشتیم، خلأهای بیشماری داشتیم، این خلأها پر نمیشد؛ بتدریج دانشگاهها وارد میدان شدند و بسیاری از این خلأها که ما فکر نمیکردیم یک وقتی بتوانیم اینها را پر کنیم، به وسیله‌ی همت دانشگاهها و همت اساتید ما و جوانان ما و دانشمندان ما پر شد. ما در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های مدیریتی میتوانیم این خلأهایی را که وجود دارد، پر کنیم؛ دانشگاهها میتوانند موضوعات پژوهشی را در دستور کار قرار دهند و این خلأها را پر کنند. بنابراین یکی از معیارها و ضابطه‌ها باید این باشد که کار علمی در خدمت نیازهای کشور قرار بگیرد.

اصرار بر گره‌خوردن تحقیقات دانشگاهی با صنعت و تجارت؛ این حرفی است که ما ده دوازده سال آن را تکرار کردیم، به دولتها هم گفتیم، به دانشگاهها هم گفتیم؛ البته تا حدود زیادی هم تحقق پیدا کرده، اما به طور کامل نه. این موضوع، هم برای دانشگاهها مفید است، هم برای صنعت ما، و همچنین برای تجارت ما، و همچنین برای کشاورزی ما. اصرار بر ایجاد رقابت سازنده در نوآوری. یک رقابت قوی و سازنده و جدی باید در کشور به وجود بیاید برای نوآوری‌های علمی، و بر اثر آن، نوآوری‌های فناوری. رقابت بین دانشگاههای کشور، رقابت بین اساتید، رقابت بین نخبگان، باید به وجود بیاید. دستگاههای آموزش عالی برنامه‌ریزی کنند برای ایجاد این رقابت در بین دانشگاههای برتر. فرض کنید در علوم فنی - مهندسی تعدادی دانشگاه برتر هست، در علوم انسانی همین جور، و بخشهای مختلف و حوزه‌های مختلف علوم. بین دانشگاههای گوناگون رقابت ایجاد کنند و به دانشگاهها امتیاز داده شود.

البته مطلبی را که در زمینه‌ی عدم نگاه مساوی به دانشگاههای برتر و قوی و دانشگاههای ضعیف، اینجا گفته شد، ما رد نمیکنیم؛ به نظر ما این مطلب به نحو مشروط، مطلب درستی است؛ آنجائی که ظرفیتهای بیشتری وجود دارد، طبعاً باید اهتمام بیشتر و توجه بیشتری هم به آنجا وجود داشته باشد. بنابراین باید همه مراقبت کنند - هم استادان، هم مدیران، هم مؤثرین و منتفذين در دانشگاهها - که فضای دانشگاه به سمت مسائل پوچ حرکت نکند؛ فضا، فضای دنباله‌گیری مسائل اصلی و اساسی باشد؛ گفتمان علم و گفتمان پیشرفت علمی و گفتمان پیشرفت عمومی کشور بر دانشگاهها همچنان حاکم باشد. البته اینجا هم دشمنانی هستند که مایلند حتی مسائل صنفی در دانشگاهها به سمت مسائل سیاسی و جنجالهای سیاسی گرایش پیدا کند؛ از این باید پرهیز کرد. این برای یک دانشگاه افتخار نیست که مسائل اساسی آن تحت‌الشعاع مسائل کوچک و کم‌اهمیت و احیاناً تحت تأثیر جریانهای سیاسی واقع شود. فضای دانشگاه باید یک فضائی باشد که در آنجا علم و عالم بتواند زیست مناسب خودش را داشته باشد.

البته این هم معلوم است؛ همه‌ی دوستان توجه دارند که این پیشرفت علمی و این توفیقاتی که تا امروز در محیط علمی کشور اتفاق افتاده است، به برکت انقلاب اسلامی است؛ این به برکت اسلام است، به برکت انقلاب است. اگر عامل فعال و پیشبرنده‌ی انقلاب و اعتقاد دینی نمیتوانست اوضاع کشور را به طور عموم و از جمله در مسئله‌ی علم تحت تأثیر قرار دهد، یقیناً شعاع نفوذ قدرتهای سلطه‌گر اجازه نمیداد یک کشوری مثل ایران - که آنها چشم طمع به آن دوخته‌اند - بتواند در زمینه‌ی علم این پیشرفتهای را بکند و این خودباوری و اعتمادبه‌نفس را به دست آورد؛ نمیگذاشتند؛ کمالینکه جاهای دیگر هم نمیگذاردند؛ آنجاهائی که آنها تسلط و نفوذ دارند. این انقلاب اسلامی بود که آمد آن فضا را شکست و فضای علمی را غالب کرد. بنابراین همه باید خودمان را مدیون بدانیم و متعهد بدانیم به حفظ و پاسداری آرمانهای انقلاب و ارزشهای انقلاب.

یک نکته‌ی دیگری که من اینجا یادداشت کرده‌ام و در بیانات دوستان هم اشاره‌ای به آن شده بود، مسئله‌ی بالا بردن کیفیت در دانشگاهها است. البته من اعتقاد ندارم که گسترش کمیت چیز کم‌ارزشی است؛ نه، گسترش کمیت فی‌نفسه چیز بسیار باارزشی است. این که تعداد دانشجو زیاد شود، تعداد دانشگاه زیاد شود، مراکز علمی کشور این همه گسترش پیدا کند، این که در بیمارستانهای شهرهای دوردست پزشکانی بتوانند عملهای جراحی‌ای انجام دهند که در گذشته‌ی نه چندان دوری - در اوایل انقلاب، یا به طریق اولی قبل از انقلاب - حتی در تهران هم به این آسانی امکان نداشت، اینها چیز کمی نیست؛ اینها افتخارآمیز است. بنابراین گسترش کمی را نمی‌کنیم، اما این را تأکید کنیم که این گسترش کمی باید با اهتمام به گسترش کیفی باشد - عمق کیفیت - این قبول است. اولاً رتبه‌ی کیفی دانشگاههای کشور مشخص شود؛ یعنی دستگاه مدیریت دانشگاهی مشخص کند که کدام دانشگاهی یا دانشگاههایی از خط شاخص کیفی معتبر پائین‌ترند؛ بعد برنامه‌ریزی کند برای اینکه بتواند کیفیت این دانشگاهها را بالا ببرد؛ این جزو کارهای بسیار لازم است و حتماً باید صورت بگیرد؛ یعنی به عنوان یک موضوع مستقل، مسئله‌ی کیفیت باید مورد توجه قرار بگیرد.

یک نکته‌ی دیگری هم که من یادداشت کرده‌ام و خوب است که تکرار کنم، این است: از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز؛ اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزبه‌روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفتهای علمی کشور ما استفاده میکنند، ناچار شوند برونزبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوئیم حتماً زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش

دارد که دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانشها میتوانند با این زبان بیان شوند. ما زبان پرفرقتی داریم. کمالینکه بعضی از کشورهای اروپایی هم نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها - مثل فرانسه، مثل آلمان - اینها زبان خودشان را به عنوان زبان علمی در دانشگاه‌هایشان حفظ کردند. مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ واقعاً احتیاج دارد به این که حمیت به‌خرج دهید. یکی از اهتمام‌هایی که دولتهای آگاه و هوشیار در دنیا انجام میدهند، تکیه بر روی گسترش زبان ملی‌شان در دنیا است. متأسفانه با غفلت خیلی از کشورها، این کار اتفاق نیفتاده؛ حتی زبانهای بومی را، زبانهای اصلی بسیاری از ملتها را بکلی از بین برده یا تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. بنده از پیش از انقلاب، از اینکه واژه‌های بیگانه بی‌دریغ در دست و زبان مردم ما به کار میرفت و به آنها افتخار میکردند - کأنه کسی اگر چنانچه یک مطلبی را با یک تعبیر فرنگی بیان کند، این را یک افتخاری میدانست - همیشه رنج میبردیم؛ متأسفانه تا امروز هم این باقی است! خیلی از سنتهای غلط پیش از انقلاب، با انقلاب از بین رفت؛ این یکی متأسفانه از بین رفت! یک عده‌ای کأنه افتخار میکنند که یک حقیقتی را، یک عنوانی را با یک واژه‌ی فرنگی بیان کنند؛ در حالی که واژه‌ی معادل فارسی برای آن عنوان وجود دارد، دوست میدارند از تعبیرات غربی استفاده کنند؛ بعد حالا یواش یواش این دیگر به دامنه‌های گسترده‌ای در سطوح پائین و سطوح عوامانه هم رسیده، که واقعاً رنج‌آور است. من نمونه‌هایی در ذهن دارم، که دیگر حالا لزومی ندارد آنها را عرض کنم.

یک نکته‌ی دیگر هم - که شاید نکته‌ی آخر باشد - این است که ما اگر دنبال پیشرفت هستیم و پیشرفت علمی را شرط لازم پیشرفت عمومی کشور میدانیم، توجه داشته باشیم که مراد ما از پیشرفت، پیشرفت با الگوی غربی نیست. دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمیخواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. پیشرفت کشورهای پیشرفته‌ی غربی نتوانست فقر را از بین ببرد، نتوانست تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند، نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند. اولاً آن پیشرفت بر پایه‌ی ظلم و استعمار و غارت کشورهای دیگر بنا شد. شما ببینید همین حالا یکی از آقایان راجع به حمله‌ی پرتغال به ایران مطالبی گفتند. خب، فقط ایران نبود. در این منطقه‌ی شرق آسیا، جاهای مختلفی پرتغالی‌ها رفتند، هلندی‌ها رفتند. مگر هلند چه اندازه عرض و طول جغرافیایی و تاریخی و ارزش علمی دارد؟ یا پرتغال یا اسپانیا یا انگلیس همین جور؟ تمام این قاره‌ی عظیم آسیا را، قاره‌ی آفریقا را اینها در مشت گرفتند و فشردند؛ اینها مراکز ثروت بود. نگاه کنید به نوشته‌ی نهرودر «نگاهی به تاریخ جهان»؛ او تشریح میکند پیشرفتهای علمی و فنی موجود در هند را پیش از ورود انگلیسها. بنده تا قبل از اینکه این مطلب را از نگاه آدم مطلعی مثل نهرودر - که آن روز این را نوشته بود - بخوانم، از چنین مسئله‌ای مطلع نبودم. یک کشوری در مسیر علمی معقول و صحیحی حرکت میکند، بعد می‌آیند به کمک علم و به کمک سلاح این کشور را تصرف میکنند، بی‌دریغ انسانها را میکشند، منابع ثروت او را از بین می‌برند و خودشان را بر او تحمیل میکنند. ثروت را از هند بیرون میکشند، میروند در کشور خودشان سرمایه‌گذاری میکنند، ذخیره درست میکنند. انگلیسها آمریکا را با پولی که از هند به دست آوردند، گرفتند. تا قبل از سالهای استقلال آمریکا که انگلیسها بر کشور آمریکا مسلط بودند، عمده‌ی درآمد تجار انگلیسی از تجارتی بود که از هند به سواحل آمریکا میکردند؛ که بعد با مقابله‌ی ساکنان آمریکا - البته نه ساکنان بومی، بلکه باز هم همان مهاجرین انگلیسی و اسپانیایی و دیگران - و جنگی که انجام گرفت و سپس استقلال آمریکا، دوران تسلط انگلیس تمام شد. به‌رحال اینها پایه‌ی تمدن خودشان را با مکیدن خون ملتها شروع کردند؛ بعد هم با پیشرفتهای گوناگون، نه ظلم را در کشورهای خودشان برطرف کردند، نه تبعیض را برطرف کردند، نه جوامع فقیر را توانستند به بی‌نیازی برسانند؛ می‌بینید امروز هم وضع اقتصاد در این کشورها چه جوری است، وضع اجتماعی چه جوری است، وضع اخلاقی چه جوری است؛ این انحطاط اخلاقی، این لجنزار اخلاق جنسی در غرب. پیشرفت تمدن غربی، یک چنین پیشرفتی است با این خصوصیات؛ این را ما به‌هیچ‌وجه نمی‌پسندیم. ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم، که یک الگوی اسلامی و ایرانی است؛ از هدایت اسلام سرچشمه میگیرد، از نیازها و سنتهای ایرانی بهره میبرد؛ یک الگوی مستقل. البته امروز محققین و صاحب‌نظران تلاشهای فراوانی هم دارند میکنند برای اینکه این الگو را تدوین کنند.

فکر میکنم وقت هم تمام شد؛ در حالی که یادداشتهایی که بنده کردم، تمام نشد و مثل سخن بسیاری از برادران و خواهران محترمی که اینجا مطالبی بیان کردند و به علت کمی وقت، حرفهایشان را نصفه‌کاره گذاشتند، بنده هم ناچار برخی از حرفها را میگذارم تا ان‌شاءالله اگر عمری بود، باز شماها را در جلسات دیگری در دانشگاهها و در دیدارهای دیگری مشاهده کنیم و برخی از عرایض خودمان را به شما عرض کنیم.

پروردگارا! برکات خودت را در این ماه بر جامعه‌ی دانشگاهی ما نازل کن. پروردگارا! دلهای مشتاق را در این ماه از رحمت بی‌پایان خود بی‌نصیب مگردان. پروردگارا! اگر تا این روزهای آخر ماه مبارک رمضان ما را نیامرزیده‌ای، در این فرصت باقیمانده ما را بیامرز. پروردگارا! ملت ایران را در همه‌ی صحنه‌ها، در همه‌ی بخشهای زندگی کامیاب فرما؛ این ملت بزرگ را بر دشمنانش پیروز کن. پروردگارا! نیتهای صادق و دلهای عاشق پیشرفت ملت ایران و عاشق حقیقت را بر انجام آرزوهای بزرگ آرمانی خودشان قادر بفرما. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوارمان و ارواح مقدسه‌ی شهدای عزیزمان را از ما راضی بفرما و دعای مستجاب امام زمان (علیه الصلوة و السلام و عجل الله فرجه) را شامل حال ما بگردان و قلب مقدس ولی‌عصر را از ما راضی و خشنود بفرما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته